

## گفتمان «حق» در مقابل گفتمان «زور»



گفتمان واژه‌های معادل discourse انگلیسی است که در حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل پدید آمده است. این واژه از جمله مفاهیم مهم و کلیدی میشل فوکو است که در شکل دادن به تفکر فلسفی اجتماعی و سیاسی مغرب زمین در نیمه دوم قرن بیستم نقش به‌سزایی داشته است. به نظر فوکو گفتمان‌ها «اعمالی هستند که به طور سیستماتیک شکل دهنده موضوعاتی هستند که خود سخن نمی‌گویند ... آنها درباره موضوعات صحبت نکرده و هویت موضوعات را تعیین نمی‌کنند. آنها سازنده موضوعات بوده و در فرایند این سازندگی مداخله خود را پنهان می‌کنند». (1) در نظر فوکو گفتمان نقطه تلاقی و محل گردهمایی قدرت و دانش است. قواعد و قوانین نانوشته‌ای که در عین حال بر هر گفتار و نوشتاری حاکمند. اهمیت گفتمان‌ها در این است که آشکارکننده بازی قدرت در جایگاه‌های مشخص‌اند و کنش‌های قدرتی هستند که فعلا نه به زندگی و جامعه و روابط بین انسان‌ها و کشورها شکل می‌دهند. گفتمان یک رابطه قدرت است بین دارنده دانش و دیگران. گفتمان بین دارنده دانش و دیگران رابطه «ما و دیگران» تعیین می‌کند. گفتمان ایجاد کننده مرز است، مرز خودی و غیر خودی. ایجاد این «دیگران» از طریق «ضدیت» قابل فهم است. ایجاد و تجربه ضدیت‌های اجتماعی، امری محوری برای نظریه گفتمان در سه جنبه می‌باشد.

نخست اینکه، ایجاد یک رابطه خصمانه که اغلب منجر به تولید یک «دشمن» یا «دیگری» می‌شود که برای تأسیس مرزهای سیاسی امری حیاتی است. دوم اینکه شکل‌گیری روابط خصمانه و تثبیت مرزهای سیاسی امری محوری برای تثبیت بخشی از هویت صورت‌بندی‌های گفتمانی و کارگزاران اجتماعی است. سوم اینکه: تجربه ضدیت نمونه‌ای از حدوثی بودن هویت را نشان می‌دهد. (2) برای اینکه گفتمانی، خودش را تثبیت کند و مرزهایش را مشخص کند به دنبال «ضدیت» و «غیریت» و «دیگری» است و آن را به صورت «دشمن» واقعی یا ساختگی تعریف می‌کند و «هویت» خودش را بر اساس «ضدیت» با دشمن تعیین می‌کند. گفتمان در پی «استیلا» (هژمونی) است. در تحلیل گفتمان مبارزه برای دستیابی به استیلا از طریق پروژه‌های سیاسی از اهمیت زیادی برخوردار است. رفتار استیلاجویانه اغلب شامل بکارگیری قدرت است. زیرا طی آن یک پروژه سیاسی می‌کوشد تا خواسته خود را بر دیگران تحمیل نماید. (3) پروژه سیاسی هر چقدر طول بکشد و مطابق با قوانین اخلاقی و حقوقی باشد یا نه مهم نیست بلکه مهم استیلائی گفتمان است با هر ابزار و اعمالی.

گفتمان دنبال «مفصل بندی» است. مفصل‌بندی به مفهوم ایجاد رابطه بین اجزاء و عناصر سازنده یک گفتمان است که در پی این رابطه «هویت» مورد نظر گفتمان شکل می‌گیرد و بر دیگر گفتمان‌ها غلبه پیدا می‌کند.

در ارتباط با مسأله هسته‌ای ایران از آغاز شکل‌گیری آن دو گفتمان در مقابل هم شکل گرفت: گفتمان «زور» در مقابل گفتمان «حق»:

گفتمان زور معتقد بود که دانش هسته‌ای متعلق به خودی‌ها است و غیر خودی فقط با اجازه خودی باید مصرف کننده باشد. خودی اگر عضو آژانس انرژی هسته‌ای هم نباشد عیبی ندارد، اگر سلاح هسته‌ای هم بسازد و کلاهک هسته‌ای را آزمایش کند مشکلی ندارد، اما اگر غیر خودی برای تولید برق هسته‌ای و مصارف صلح‌آمیز تلاش قانونمند در چارچوب قوانین و تعهدات آژانس انرژی هسته‌ای نیز عمل کند حق برخورداری از دانش هسته‌ای ندارد. خودی که منطقی زور است دانش هسته‌ای را به هر صورت کسب کند و در هر مسیری استفاده کند صلح‌آمیز است و غیر خودی در هر صورت باید پادمان امضا کند، تعلیق را به طور داوطلبانه بپذیرد.

شرط مذاکره‌اش باید تعلیق باشد. بر اساس گفتمان «زور» دانش هسته‌ای باید در دست عده‌ای محدود از کشورهای قدرتمند باشد و دیگران حق استفاده از این دانش را ندارند و برای بازداري این کشورهای انقلابی که بر اساس توانایی‌های ذاتی فرزندانشان توانسته‌اند به این دانش دست یابند، از تعلیق داوطلبانه بیاپنی شورای امنیت، تهدید و تحریم اقتصادی، تعلیق داوطلبانه و تهدید به حمله و راه‌های غیر قانونی استفاده می‌کنند.

در مقابل گفتمان «زور» گفتمان «حق» قرار دارد که معتقد است که برخورداری از انرژی هسته‌ای حق مسلم همه انسان‌ها است. طبق این گفتمان بحث «خودی و غیر خودی» «ما و دیگران» وجود ندارند. انسان‌هایی که مقاصد صلح‌آمیز دارند و از انرژی هسته‌ای - و بلکه از تمام انرژی‌ها - برای تکامل بشریت و در جهت خیرخواهی و سودمندی تمام انسان‌ها استفاده می‌کنند، از این انرژی می‌توانند استفاده کنند، می‌توانند دانش آن را فرا گیرند و دیگران بیاموزند، طبق این گفتمان دانش هسته‌ای انحصار یک کشور یا یک عده‌ای خاص نیست بلکه متعلق به بشریت است.

### سیاست ایران: تعقیب گفتمان «حق»

ایران بعد از انقلاب اسلامی بر اساس حق استفاده از انرژی هسته‌ای تلاش داشته است که طبق مقررات آژانس هسته‌ای به این دانش هسته‌ای دست یابد و برای مصارف صلح‌آمیز از آن استفاده کند و بارها توسط مسؤولان عالی رتبه نظام این مسأله گوشزد شده است و در هیچ مرحله‌ای نیز در پی سلاح هسته‌ای نبوده است. اهداف سیاسی دفاعی و امنیتی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران حاکم از این است که این کشور برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای تلاش نمی‌کند. این اهداف که منطبق با اصول منشور سازمان ملل متحد نیز هستند عبارتند از: مخالفت با بکارگیری زور علیه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشورهای منطقه، حفظ صلح و ثبات و امنیت منطقه‌ای از طریق مسالمت‌آمیز و بدون توسل به زور، احترام به حق تعیین سرنوشت ملت‌ها و التزام به معاهدات بین‌المللی، استقرار یک نظام امنیتی منطقه‌ای مبتنی بر نظام امنیت دست جمعی و عادی سازی منطقه خاورمیانه از سلاح‌های کشتار جمعی. (4)

گرچه ایران تلاش داشته است که شفافیت خودش را در موضوع هسته‌ای نشان دهد و طبق معاهدات آژانس عمل کند و بازدید از تمام قسمت‌های تأسیسات هسته‌ای را در اختیار بازرسان آژانس قرار دهد باز هم زورگویان عالم بر اساس گفتمان زور همچنان در پی زورگویی به ایران هستند. طبق نظر کارشناسان، مسأله هسته‌ای ایران سه بعد دارد:

بعد فنی، بعد حقوقی و بعد سیاسی .

از نظر ابعاد فنی و حقوقی ایران تحت پیمان منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای (NPT) به تعهداتش عمل کرده است. در 27 اگوست 2007 آژانس اعلام کرد: «این سازمان توانسته است غیر انحرافی بودن مواد هسته‌ای اعلام شده در تأسیسات غنی‌سازی ایران را تأیید کند» و بنابراین نتیجه‌گیری کرده که این مواد همچنان برای استفاده صلح‌آمیز است. اما بعد سیاسی آن هنوز حل نشده است. آقای دکتر احمدی‌نژاد در سخنرانی روز 20 فروردین 87 به مناسبت روز ملی هسته‌ای ایران به این نکته اشاره کرد: «به نظر من و به باور اغلب صاحب‌نظران، اصل موضوع هسته‌ای ایران و انگیزه اصلی آرایش قدرت‌های بزرگ در برابر ملت ایران نه فنی و حقوقی که بر اساس انگیزه‌های سیاسی بود». (5) قدرت‌های بزرگ از آن ابتدا بر صلح‌آمیز بودن تلاش‌های هسته‌ای ایران واقف بوده‌اند و بارها این مهم توسط البرادعی دبیرکل آژانس هسته‌ای تأکید شده است اما بر اساس منطق زور نمی‌خواهند بپذیرند که این دانش بومی شود. چطور زمانی که جمعیت ایران یک سوم جمعیت کنونی بود، دیک چنی، دونالد رامسفلد و پل ولفویترز در مذاکرات با رییس وقت آمریکا - جرال فورد - شاه سابق ایران را متقاعد کردند که ایران نیازمند بیش از 20 راکتور هسته‌ای است. (6) اکنون که

جمعیت ایران به بیش از 70 میلیون نفر رسیده است ایران به انرژی هسته‌ای نیاز نداشته باشد؟ چگونه آمریکا و آژانس از انحراف بسیاری از کشورها صرفه‌نظر کرده است اما از حق مسلم ایران جلوگیری می‌کند. چرا آژانس با کره جنوبی که غنی‌سازی کرده، هند که از امضای آن پی تی خودداری کرده است، پاکستان مخفیانه سلاح‌های هسته‌ای را توسعه می‌دهد، اسراییل صدها سلاح هسته‌ای مخفی دارد و از بازدید بازرسان از نیروگاه‌هایش جلوگیری می‌کند، آمریکا که تنها کشوری است که از سلاح‌های هسته‌ای استفاده کرده است و از 15 مورد قصوری که توسط کشورهای مصر، کره جنوبی و تایوان بعد از تاریخ مطرح شده مسئله هسته‌ای ایران صورت گرفته است (7)، به راحتی می‌گذرد اما در مورد ایران اینقدر حساس شده است؟ طبیعی است که آژانس هم تحت تأثیر و فشار قدرت‌ها قرار گرفته است و اعتبارش زیر سؤال رفته است و در این شرایط برخی از قدرت‌های بین‌المللی فضای مقابله با ایران را مناسب دیده و با فشار آوردن به آژانس تلاش کرده‌اند که پرونده هسته‌ای ایران را از مسیر حقوقی و فنی خارج کرده و به یک «پرونده سیاسی» تبدیل کنند. (8)

با تبدیل شدن پرونده هسته‌ای ایران به یک «پرونده سیاسی» ماهیت سازمان‌های بین‌المللی از جمله آژانس هسته‌ای و شورای امنیت سازمان ملل زیر سؤال رفته و حقوق بین‌الملل به «جوهری روی کاغذ» تبدیل شده است و برخورد و رفتار با مسئله هسته‌ای کشورها گزینشی و تحت فشار قدرت‌ها به خصوص آمریکا قرار گرفته است. در این زمینه جاناتان شل می‌گوید: «در واقع آمریکا بر خلاف گذشته دیگر سلاح هسته‌ای را بد نمی‌دانست بلکه مهم این است که این سلاح در اختیار کدام کشور قرار بگیرد. مهم این است که کشور دارای سلاح هسته‌ای چه رابطه‌ای با آمریکا دارد. اگر همچون پاکستان مناسبات تاریخی و گسست‌ناپذیری با آمریکا داشته باشد داشتن سلاح بلامانع است». (9) اما داشتن دانش انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز توسط ایران اسلامی به عنوان تهدید قلمداد می‌شود.

اما علیرغم تهدیدات برخی از کشورها ایران بر اساس گفتمان «حق» استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را حق مسلم ملت ایران و تمام ملت‌های مستقل می‌داند و برای دستیابی و توسعه آن از هیچ زور و تهدیدی نمی‌هراسد و پیشرفت در زمینه انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای را نماد «نوآوری و شکوفایی» می‌داند و از هر گونه تلاش فنی، حقوقی و سیاسی برای دستیابی به آن دریغ نمی‌ورزد.

دکتر رشید جعفرپور\*

\* (مدیر بخش ادبیات مرکز اسناد انقلاب اسلامی)

ارجاعات:

- 1 - حمید عضدانلو، گفتمان و جامعه، نشر نی، تهران، 1380، ص 14
- 2 - دیوید مارش و جری استوکر، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه: امیر محمد حاجی یوسفی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، 1378، ص 205
- 3 - همان، ص 207
- 4 - سید جلال دهقانی فیروزآبادی، «ضرورت تعامل» همشهری دیپلماتیک، سال اول، شماره چهارم، 1385، ص 15
- 5 - سایت نهاد ریاست جمهوری [www.president.ir](http://www.president.ir)
- 6 - «نقض قانون» همشهری دیپلماتیک، ترجمه: عسگر قهرمانپور، سال دوم، شماره بیستم، 1386، صص 38-39
- 7 - سایت حقوق برای همه: [www.hoquouq.com](http://www.hoquouq.com)
- 8 - رشید جعفرپور، «همکاری به جای رقابت» همشهری دیپلماتیک، سال اول، شماره چهارم، 1385، ص 33
- 9 - جاناتان شل: «فروپاشی دکترین بوش»، همشهری دیپلماتیک، ترجمه: دکتر سید سعید علوی نائینی، ص 30